

نظر به شخصیت تاریخی بانو امین و آینده‌ای که در پیش است

بسمه تعالی

1- رهبری در نظر به آینده تاریخی ما حضور نهایی که در پیش است می‌فرمایند:
در ۱۲ ابان سال ۹۷ می‌فرمایند: "بنده امیدم و نگاهم نسبت به آینده این کشور خیلی روشن است. بنده می‌دانم که خداوند متعال اراده فرموده است که این ملت را به متعالی‌ترین درجات برساند. و بدانید که ان شاءالله ملت ایران به برکت اسلام، به برکت نظام اسلامی، به عالی‌ترین درجات یک ملت در حد و اندازه ملت ایران خواهد رسید بدون تردید، و بدانید که توطئه دشمن، خرابکاری دشمن، حمله دشمن، ضربه دشمن هیچ اثری نخواهد داشت و به معنای واقعی کلمه دشمن هیچ غلطی نخواهد کرد."
و یا در آخرین گفتار خود با نمایندگان مجلس می‌فرمایند:

ایمان یک شاخص مهم است. امید به آینده و نگاه مثبت به افق. به آنهایی که افق به نظرشان تاریک است، کاری نمی‌شود کرد، نمیشود به اینها مسئولیت داد، مسئولیت‌های اساسی و کلیدی داد.

2- در رابطه با حضور در تاریخی که گذشته را باید راهی کرد برای بازخوانی خود در آینده حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه می‌فرمایند [شهدا] یکشنبه ره صد ساله را پیمودند و آنچه عارفان و شاعران عارف پیشه در سالیان دراز آرزوی آن را می‌کردند، اینان ناگهان به دست آوردند و عشق به لقاء الله را از حد شعار به عمل رسانده و آرزوی شهادت را با کردار در جبهه‌های دفاع از اسلام عزیز به ثبت رساندند و این تحول عظیم معنوی با این سرعت

بی سابقه را جز به عنایت پروردگار مهربان و عاشق پرور نتوان توجیه کرد. (ج ۱۷، ص ۳۰۵)

3- با توجه به نکته فوق می‌توان گفت: تفکر، همان زیستن اختیاری و جدیت نسبت به خویش و پاکیزگی در ارتباط با خویشتن است، آزاد از محدود شدن در انبوه کثرات و غفلت از وحدتی که با نظر به «وجود» پیش می‌آید و آن پاکیزگی در ارتباط با خویشتن انسان را در آنچه هست، حاضر می‌کند، پس با توجه به این امر افراد را با آنچه که نیستند پریشان مسازید. در آن صورت دائماً در جستجوی چیزی خواهند بود که نیستند و احساس می‌کنند دائماً باید شاگرد باشند، در حالی که آن‌کس که همواره شاگرد باقی می‌ماند، زحمات آموزگارش را به خوبی جبران نمی‌کند و از اشاراتی که با ارتباط با خویشتن برایش پیش می‌آید محروم است.

4- عمده توجه به شخصیت بانویی است که اولاً متوجه جهان جدید شده است و ثانیاً اسیر ادعای های جهان جدید که خود را آخرین دوران معرفی می‌کند، نشده و توانسته است در همین تاریخ و همین جهان رو به سوی آینده ای داشته باشد که نهایی ترین حضور است و این یعنی تفکر. و کسی که در چنین درک تاریخی حاضر باشد متفکر است. با توجه به این امر می‌توان گفت بانو امین اشاره ای است به آینده نهایی. شرایطی که امکان آن در آن فراهم است تا ره صد ساله را ذیل حضور تاریخی که حضرت روح‌الله رضوان الله تعالی مد نظرها آورد طی کنیم.

5- حال باید از خود پرسید فردای ما و پس فردای ما در بستر اصالت وجود چگونه خواهد بود و رخداد غزه و حضور زن در این رخداد در کجای تاریخ امروز و فردای ما قرار دارد؟ آیا همه

چیز حکایت از توجه به آن نهایی‌ترین حضور که
عبور از جهان مدرن است ، نمی‌کند؟